

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۲/۲۷

احمد فواد ارسلا

از تحریک تروریستی تا ترس جنگ اتمی:

قدردانی پاکستان از ترمپ واقعاً چه چیزی را اعتراف می‌کند



قدردانی‌های مکرر و چاپلوسی صدراعظم پاکستان، شهباز شریف، از دانالد ترمپ به‌خاطر «حل‌وفصل» جنگ اخیر هند پاکستان، دیپلماسی نیست؛ بلکه اعترافی ناخواسته است. اگر روایت خود پاکستان با دقت خوانده شود، حقیقتی بسیار ناراحت‌کننده را برملا می‌کند: اسلام‌آباد بحران را از طریق تروریسم آغاز کرد، کنترل تشدید متعارف را از دست داد، و سپس برای پنهان‌کردن شکست ستراتیژیک، به پشت و هم از جنگ اتمی عقب نشست. ترتیب رویدادها اهمیت دارد، و رهبری پاکستان ترجیح می‌دهد جهان آن را فراموش کند.

جنگ از خلأ آغاز نشد؛ با ترور شروع شد

جنگ اخیر هند – پاکستان نه به‌طور خودبه‌خودی شعله‌ور شد و نه محصول سوءتفاهم یا تشدید تصادفی بود. این جنگ پس از یک حمله تروریستی مورد حمایت پاکستان در خاک هند رخ داد؛ امری سازگار با نمونه دیرینه‌ای که در آن از قوت‌های نیابتی شبه‌نظامی برای تحریک هند استفاده می‌شود، در حالی‌که امکان انکار معقول حفظ می‌گردد. این نقطه آغاز حیاتی است:

پاکستان تشدید تشنج از مسیر تروریسم را برگزید، با این انتظار که چنان‌که در گذشته بارها کرده بود—هند از نظر دیپلماتیک، ستراتیژیک یا روانی مهار خواهد شد. اما در عوض، هند به‌صورت نظامی، مستقیم و متعارف پاسخ داد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولئ

این خطای محاسبه، ریشه تمام آن چیزی است که پس از آن رخ داد.

از جنگ نیابتی تا شکست متعارف

وقتی منازعه از خشونت نیابتی به جنگ متعارف دولت‌بادولت تغییر مسیر داد، منطقه آسایش ستراتیژیک پاکستان از هم پاشید. جنگ نیابتی به اسلام‌آباد امکان کنترل تشدید را می‌دهد؛ جنگ متعارف چنین امکانی را نمی‌دهد. رهبری پاکستان اکنون از موفقیت‌های میدانی سخن می‌گوید—سرنگونی طیارات، پاسخ‌های قوی، بازگردانی بازدارندگی—اما هیچ مدرک مستقل و قابل ثبوت از کامیابی‌های قاطع ارائه نکرده است. آنچه به‌طور مکرر و بلند ارائه کرده، قدردانی از یک بازیگر خارجی برای توقف جنگ است. همین نکته به‌تنهایی افشاگر است.

کشورهایی که باور دارند در حال پیروزی‌اند، برای خروج دیپلماتیک عذر و زاری نمی‌کنند. نام بیگانگان را برای جوایز صلح مطرح نمی‌سازند. و قطعاً خود را «نجات‌یافته از فاجعه» توصیف نمی‌کنند.

بحث «جنگ جهانی سوم»: زبان یک دولت به گوشه رانده‌شده

مخرب‌ترین عنصر در روایت بعد از جنگ پاکستان، اصرار آن بر این ادعاست که ترمپ از «جنگ جهانی سوم» جلوگیری کرده است—عبارتی که رهبران پاکستانی آن را بارها و با تأیید تکرار کرده‌اند. این اغراق گذرا نیست؛ یک اعتراف ستراتیژیک است. ارجاع به نابودی اتمی جهانی تنها زمانی معنا دارد که رهبری پاکستان باور داشته باشد:

۱. کنترل جنگ متعارف را از دست می‌دهد، و
 ۲. برتری در تشدید تشنج در حال لغزش از دستانش است.
- در جنوب آسیا، سلاح‌های اتمی برای بازدارندگی از جنگ‌اند، نه برای تکان‌دادن علنی دکمه‌های وحشت. وقتی رهبران پاکستان علناً می‌گویند جنگ تا آستانه فاجعه اتمی پیش رفته بود، در واقع بخش ناگفته را آشکار می‌کنند: آن‌ها آن قدر به تنگنا افتاده بودند که به انتخاب سلاح اتمی فکر کنند. این قدرت نیست؛ آسیب‌پذیری ستراتیژیک است.

برون‌سپاری شکست: چرا پاکستان به ترمپ نیاز داشت

تمرکز پاکستان بر ترمپ پلان مشخصی دارد. با نسبت‌دادن توقف جنگ به یک منجی خارجی، اسلام‌آباد از پاسخ‌دادن به پرسش‌های دشوارتر می‌گریزد:

- چرا حمله تروریستی مورد حمایت آن به تقابل متعارفی انجامید که نتوانست کنترلش کند؟
 - چرا اصلاً به مداخله بیرونی نیاز داشت؟
 - چرا هند به‌طور قاطع هرگونه میانجی‌گری ثالث را رد می‌کند، اما پاکستان بر آن اصرار دارد؟
- پاسخ ساده است: پاکستان به یک روایت حفظ آبرو نیاز داشت. ترمپ به تمثال مناسب «نجات» تبدیل می‌شود—کسی که بتوان توقف جنگی را به او نسبت داد که پاکستان خود آغاز کرده بود اما نتوانست آن را با شرایط مطلوب به پایان برساند.

باج‌گیری اتمی به عنوان کنترل خسارت پس از جنگ

پاکستان مدت‌هاست به بازدارندگی اتمی به عنوان سپری تکیه کرده که پشت آن جنگ‌های زیرمتعارف را پیش می‌برد. آنچه این رویداد را متفاوت می‌کند، میزان اتکای آشکار رهبری پاکستان به بحث فاجعه اتمی پس از پایان جنگ است. این چرخش نشانه‌ای عمیق دارد:

بازدارندگی متعارف پاکستان شکست خورد، و رهبرانش از آن آگاه بودند. ناتوان از ادعای قانع‌کننده پیروزی در میدان، اسلام‌آباد نتیجه را به‌صورت «پیروزی اخلاقی برای بشریت» باز قالب‌بندی کرد—«میلیون‌ها جان نجات یافت»، «جنگ جهانی سوم جلوگیری شد». این زبان کامیابی نیست؛ زبان عقب‌نشینی ستراتیژیک است که در لباس مسئولیت‌پذیری جهانی پنهان شده است.

نتیجه‌گیری: قدردانی‌ای که راز را فاش می‌کند

به‌طور روشن:

- پاکستان بحران را از مسیر تروریسم آغاز کرد.
 - وقتی هند به صورت متعارف پاسخ داد، کنترل تشدید را از دست داد.
 - آن قدر به تنگنا افتاد که از فاجعه اتمی سخن گفت.
 - و اکنون برای توقف چیزی که خود نتوانست اداره کند، از یک بازیگر خارجی قدردانی می‌کند.
- کشورهایی که باور دارند پیروز شده‌اند، چنین رفتار نمی‌کنند.
- قدردانی افراطی پاکستان از ترمپ، تمرکز وسواس‌گونه بر «جنگ جهانی سوم»، و اصرار بر میانجی‌گری خارجی همگی به یک نتیجه می‌رسند: اسلام‌آباد به‌طور استراتژیک شکست خورد—یا حد اقل به‌شدت کم‌زورتر از رقیب بود—و اکنون مشغول ترمیم روایت است.
- در نهایت، سخنان خود پاکستان علیه آن شهادت می‌دهد.
- دولتی که به قدرت خویش مطمئن است، از دیگران به‌خاطر نجاتش از نابودی تشکر نمی‌کند.
- جنگی را که خود برانگیخته، به «نزدیک به فاجعه‌ای انسانی» بازتعریف نمی‌کند.
- آنچه پاکستان امروز دیپلماسی می‌نامد، بیش از هر چیز شبیه کنترل خسارت پس از یک قمار ناکام است.